

۱۴۸۴۳۸۹

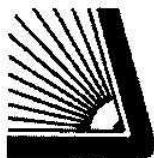
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
وَبِالْهُدَى وَبِالْإِيمَانِ

جانِ جهان

در

جهانِ جان

کامبیز شادلو



انتشارات نظری

سرشناسه

عنوان و نام پدیدآور

مشخصات نشر

مشخصات ظاهری

شابک

وضعیت فهرست‌نویسی

موضوع

رده‌بندی کنگره

رده‌بندی دی‌سی

شماره شابشناسی ملی

شادلو، کامبیز/۱۳۴۲

جان جهان در جهان جان/ کامبیز شادلو

تهران: انتشارات نظری ۱۳۹۵

ص ۱۴۴

۹۷۸-۶۰۰-۲۸۹-۵۷۸-۳

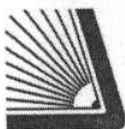
فیبا

انسان در ادبیات - عرفان در ادبیات - ادبیات عرفانی فارسی

۱۳۹۵ ش ۷ الف / PIR۳۴۴۲

۸۶۰/۹۳۵

۴۶۰۸۶۸۴



انتشارات نظری

نام کتاب : جان جهان در جهان

نویسنده : کامبیز شادلو

نوبت چاپ : اول - ۱۳۹۶

شمارگان : ۵۰۰

«کلیه حقوق مادی چاپ و نشر مخصوص و محفوظ ناشر می‌باشد»

دفتر مرکزی : تهران، خیابان ولی عصر (عج)، خیابان سید جمال‌الدین اسفندیاری (یوسف آباد)

نبش خیابان فتحی شقایق، جنب بانک انصار، پلاک ۳۲، طبقه ۱، واحد ۱۷

info@nashrenazari.com

همراه: ۰۹۱۹۰۱۲۹۴۵۵

www.nashrenazari.com

تلفن: ۸۸۱۰۲۷۷۵

قیمت : ۸۰۰۰۰ ریال



فرست

- ۷..... پیش گفتار
- ۱۰..... امتدادِ زمان
- ۱۴..... دردِ وجود
- ۱۸..... وادیِ معرفت
- ۲۲..... حلاج تجلیِ حق
- ۳۴..... عین القضاات شکوایِ غریب
- ۴۲..... سهروردی اشراقِ نور
- ۵۷..... عطار دریایِ جان
- ۶۹..... ۱- وادیِ اول : طلب
- ۷۰..... ۲- وادیِ دوم: عشق
- ۷۲..... ۳- وادیِ سوم : معرفت

- ۴- وادی چهارم : استغنا ۷۴
- ۵- وادی پنجم : توحید ۷۶
- ۶- وادی ششم : حیرت ۷۸
- ۷- وادی هفتم : فقر و فنا ۸۱
- خاکسار ۸۳
- مولو، جوهر عرفان ۸۳
- حفظ سواجه رندان ۱۱۰
- حریم دوست ۱۴۳

پیش گفتار

گفتم ای سلطان خدا من رحم کن براین غریب
گفت دردنبال دل ره گم کند مسکین غریب

حافظ / غزلیات

به نام جانِ جانان جهان که در همه بیکران هستی جز او پاینده ای نیست از ابتدای پیدایش نفحات روح بخش حیات و حرکت و زیست در عرصه وجود و در فرآیند گذار از تمایلات غریزی صرف جهت استوار و بقای حیات و ورود به عرصه چراهای فراوان در بیکران پهنه هستی و ورود به وادی چگونگی های حیات تا شکافتن ذرات بنیادی آن، براستی همواره بشر در بند و اسیر ضروریات قاطع حیات مادی و غریزی خویش بوده است.

براستی آیا عصر توحش و بربریت ما قبل تاریخ، این بار در صورتی بدیع در عصر پست مدرنیسم پا به عرصه وجود و تکرار گذاشته است و آیا هیچ تضمن مقصودی از حرکت حیات در تمامی ابعاد آن در عالم خاک متصور نیست؟!

تا حیات هست انسان هست و تا انسان هست چراها و چگونگی های حیات در تمامی ابعاد وجودی خویش مطرح است و بنابر شواهد و قرائن تاریخی، عناصر سازنده تمدن بشری (کار-حکومت-دین-اخلاق-علم-فلسفه-ادبیات و هنر) همواره دست اندر کار ایجاد تمدن هایی نوین بر ویرانه تمدن های نسخ شده بود اندر خواهند بود.

تکامل وجود را باید پذیرفت و یا در صورت پذیرش محدود کردن آن هیچگونه قید و حصری را بر نخواهد تابید.

براستی انسان در کجای نظام حائثات ایستاده است؟

آیا همچنان با سرعتی شتابان، عین هم دست یازیدن به پیشرفت های روز افزون در عرصه های حیات بشری، فارغ از دایره تعهد و تقید به ارزش های والای انسانی و اخلاقی، از هویت انسانی خویش تهی گشته و با دور شدن از معنای وجود، ناخواسته و ناخودآگاه در پی محو و نابودی انسان حیات و تمدن بشری می باشد؟

لیک چشم و گوش را آلوده نیست
باز جوید روزگار وصل خویش

سر من از ناله من دور نیست
هر کسی کودور ماند از اصل خویش

مولانا / مثنوی معنوی

مقصد در غایت خاک است و شروع حیاتی دیگر که در این کهنه رباط مکر و افسون نا خواسته از دری وارد و پس از چند صباحی توقف و درنگ، از دری دیگر

نیز خارج خواهیم شد.

نمی دانم که بعد از مرگ من باری چه خواهد شد

ولی دانم که یک در بسته و یک در باز خواهد شد

نگارنده

بدنی است در این راستا راه سعادت آدمی از درون آغاز خواهد شد و هماهنگی کامل با شعور، "الق حاکم بر کل نظام کائنات".

فرا رفتن از محاسن لذت بهز افزون و متکثر عالم خاکی و گوش جان سپردن به نوای درون ندای جان را به انس را به وحدت می خواند.

کمر از ذره نه ای پست مشو مهر و روز
دامن دوست بدست آر ز دشمن بگسل

تا به خلوتگه خورشید رسی چرخ زنان
مرد یزدان شو و فارغ گذر از اهرمان

حافظ / غزلیات

آیا انسان در جزر و مد امواج خروشان و پر تلاطم هستی که چونان جبری اجتناب ناپذیر بر او محیط گشته اند راه خویش را به حذف ردایی و وارستگی خواهد یافت و یا چونان اسیری بی اختیار در بند ضروریات عالم امکان در بند غرایز وجودی خویش محبوس خواهد ماند؟

گفت: حافظ آشنایان در مقام حیرتند دور نبود چون نشیند خسته و مسکین غریب

حافظ / غزلیات